

بسم الله الرحمن الرحيم

با نابودی خلافت، امت اسلامی عزت و جایگاهش را در بین امت‌ها از دست داد

(ترجمه)

یک قرن گذشت و امت اسلامی در حالت تباهی، پراکندگی و فقدان هویت اسلامی زندگی می‌کنند؛ حتی غربت این دین بزرگ را هنگامی درک می‌کنیم که با بسیاری از فرزندان امت گفتگو نماییم و پیرامون برخی از افکار اسلام به گونه‌ی مثال؛ نظام حکومت‌داری اسلام، حکم شرعی و این‌که در افعال اصل است، بحث و گفتگو به راه اندازیم، پاسخ‌ها را یک‌جانبه و بطور کامل دور از صحیح بودن در می‌یابیم؛ به ویژه از جانب کسانی که علماء دین می‌نامند. پاسخ‌های فشرده دارند، گویا نزد آنان و در پیش چشم شان ترسیم شده موجود باشد؛ زیرا نظام حکومت‌داری "شورا" است گرچه رهبری جمعی است و اگر در مورد حالت سرزمین‌های پارچه شده مسلمانان بحث و گفتگو نماییم، به واقعیت‌گرایی پناه برده و در گودال فرومایگی، ترس و ذلت غوطه‌ور می‌شوند. کسانی که تحت حاکمیت این نظام‌ها خود را عالم می‌نامند، حقائق را پنهان می‌کنند، مردم را فریب می‌دهند و لجبازی می‌کنند، مگر کسی که الله بر او رحم کرده باشد.

دلیل آن، این نظام سرمایه‌داری جهانی است که غرب کافر استعمارگر بر ما تحمیل نموده است. برای پاک کردن هویت اسلامی از اذهان فرزندان امت اسلامی و دور کردن واقعیت نظام حکومت‌داری در اسلام (خلافت) سیاست‌های گوناگونی را به کار برده‌اند، زیرا امت اسلامی از آغاز عزت‌مندی شان، عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم، اصحاب، تابعین، تبع تابعین و پس از آنان، برخی از احکامی داشتند که برای شان مصلحت حیاتی و قضایای سرنوشت‌ساز شمرده می‌شد و مرگ و زندگی شان به آن قضایا وابسته بود؛ از جمله آن، خلافت بود. کشورهای غربی و در رأس شان انگلیس دشمن اسلام و مسلمانان، هنگامی که دید که قوت مسلمانان در عقیده و نظام حکومت‌داری شان نهفته است، قصد کردند مخفیگاه خطری را نابود کنند که آنان را تهدید می‌کرد که همانا نظام حکومت‌داری (خلافت) بود، اما از ریشه کن کردن عقیده مسلمانان عاجز ماندند و شعله عقیده اسلامی نزد فرزندان امت هنوز روشن باقی مانده است. بنابر این، آن چه را که امت اسلامی با فروپاشی خلافت و مایه عزت شان از دست دادند، تعجب‌آور نیست؛ امت اسلامی عزت شان را از دست داده‌اند.

آری، عزت شان را از دست دادند، گزنه تاریخ گواه است. خطاب‌ها و پیام‌های خلفای دولت اسلامی به کفار در طول عصرها آتش افروز، تند و شکننده بود و ضربه‌های شمشیر نزد آنان سبک‌تر از رنگ قلم بر ورق بود. از جمله آن پیام‌ها، پیام هارون الرشید بود که چنین نوشته بود: «از طرف بنده‌ای الله، هارون الرشید، امیر المؤمنین به نقفور، سگ روم! نامه‌ات به مار سید، ای پسر آن زن کافر! اما پاسخ نامه‌ات را قبل از شنیدن، به چشم خواهی دید.» این کاملاً بر عکس تمامی موضع‌گیری‌های ننگین حکام امروزی مسلمانان است؛ کسانی که دین شان را به دنیای خودشان نه بلکه به دنیای کفار استعمارگر می‌فروشدند و برای فروش سرزمین‌های مسلمانان تلاش‌های مداوم به خرج می‌دهند تا آن را قطعه قطعه کرده و به آغوش کفار تسلیم نمایند. عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با یهود مسخ شده جز یکی از امور و پدیده‌های بزرگ چیزی دیگر نیست.

افزون بر این، حمایت و محافظت از دشمنان امت از دست رفته است. امت اسلامی با مزدوی حکام به دشمنان و تطبیق فرمان‌های آنان از جمله نظام‌ها و تحمیل تسلط کفار بر امت اسلامی در طریقه زندگی که متناقض با عقیده اسلامی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... است، امت از داخل پوسیده است. آن چه که عیان است چه حاجت به بیان است!

هم‌چنان علمای ربانی را از دست دادیم که حق می‌گویند و حق را به اجراء در می‌آورند و در راه الله از ملامتی هیچ ملامت‌گر نمی‌هراسند، زیرا طبیعی است که تطبیق نظام سرمایه‌داری و تحمیل ثقافت آن بر امت علمائی را به بار آورد که از نظام حکومت‌داری که بر آنان تطبیق شده است، رنگ و صیقل گرفته باشد؛ چقدر تناقض‌های علماء سوء را در فتو اصادر کردن دیدیم، به بهانه‌های بی‌اساسی که هرگز الله دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده است تا این که امت به این حد نشیب، گسستگی و انحطاط رسید؛ هرگز امت اسلامی به مجد و عزت سابقه‌اش بر نخواهد گشت، مگر با بازگشت مادر غخوار و حمایت‌گر، خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت که به اذن الله به زودی برپا خواهد شد!

#أقيموا_الخلافة

ReturnTheKhilafah#

YenidenHilafet#

#خلافت_کو_قائم_کرو

نویسنده: استاد خالد الجندی-و لایه یمن

برای رادیوی دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: حمزه "پارسا"

14 فبروری 2021م

2 رجب 1442هـ.ق